

صلاحیت دادستانی کل کشور در احیای حقوق عامه؛ مطالعه موردی تحریم‌های یکجانبه آمریکا

حسین خلف رضائی^{*۱}، محمد مقدمی^{**۲}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: 10.22034/qjplk.2022.1319.1275

چکیده

تحریم‌های یکجانبه آمریکا، ترجمان سیاستی خصمانه در روابط بین‌الدول و بی‌اعتنایی به حقوق بنیادین بشری از جمله حق بر حیات، سلامت و توسعه است که در حقوق بین‌الملل و حقوق اساسی کشورها شناسایی شده و سازوکارهایی برای تضمین و حمایت از آنها پیش‌بینی شده است. در نظام ایران نیز این موارد در چارچوب حقوق عامه شناسایی شده که قوه قضاییه و دادستانی کل رسالتی ذاتی در احیای این حقوق ایفا می‌کنند. دادستان کل کشور این کارویژه را حسب مورد مستقیماً اجرا کرده یا از طریق مراجع ذی‌صلاح پیگیری و نظارت می‌کند. این مقاله با جست‌وجو در حقوق ایران و با رویکردی توصیفی-تحلیلی به این نتیجه رهنمون شده که تحریم‌های یکجانبه آمریکا ناقض حقوق بین‌الملل و حقوق اساسی شناخته شده در قانون اساسی ج.ا.ایران است. در نتیجه، دادستانی کل کشور به موجب وظایف خود باید در جهت احیای حقوق عامه و مقابله با ناقضان آن از طریق سازوکارهای مقرر و با هماهنگی و همکاری مراجع ذی‌ربط اقدام کند. این اقدامات می‌تواند در مراجع ملی و بین‌المللی و به طرفیت دولت آمریکا و افراد دخیل در این جرائم به عمل آید. در این زمینه اشخاص زیان‌دیده می‌توانند علیه آمریکا در دادگستری تهران طرح دعوا کنند. همچنین دیوان داور ایران-آمریکا و دیوان بین‌المللی دادگستری، مراجع بین‌المللی صالح برای رسیدگی به مسئولیت دولت آمریکا هستند.

واژگان کلیدی: تحریم‌های یکجانبه، حقوق عامه، حقوق بین‌الملل، دادستان کل کشور، دیوان بین‌المللی دادگستری، طرح دعوا.

۱. دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

* Email: h.rezaei@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

** Email: moghaddami.m@ut.ac.ir



مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایالات متحده راهبرد تهدید ظالمانه را علیه ملت ایران در پیش گرفت و به موجب این راهبرد، انواع فشارها از جمله فشارهای نظامی، اقتصادی و سیاسی را بر جمهوری اسلامی تحمیل کرده است. از جمله این فشارها که امروز بیشترین نمود و بروز را در جامعه ایران داشته است، می‌توان به تحریم‌های یکجانبه اشاره کرد که به ابزاری جایگزین برای مداخله نظامی یا سیاسی تبدیل شده است. در حقیقت، کشورهای توسعه‌یافته در راستای دستیابی به اهداف خود در کشورهای در حال توسعه از این ابزار استفاده می‌کنند. بروز و افزایش جدی این تحریم‌ها به‌ویژه در دوره فراگیری کووید ۱۹^۱ برخلاف موازین مسلم حقوق بین‌الملل، ملت ایران را از بسیاری حقوق و آزادی‌های اساسی خود محروم کرده است که به‌طور مشخص در قانون اساسی تحت عنوان «حقوق ملت» و «حقوق عامه» شناخته شده‌اند و بنابر اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه مسئولیتی ذاتی برای احقاق و احیای این حقوق یافته است. در این زمینه نقش دادستانی کل کشور به‌عنوان مدعی‌العموم و مدافع حقوق و منافع عمومی نقشی برجسته و شایان توجه دارد. این امر از جمله به دلالت ماده ۲۹۰ آیین دادرسی کیفری مورد تصریح قانونگذار قرار گرفته است. با این حال به دلیل وجود نواقصی که در ساختارها و رویه‌های موجود دیده می‌شود، تاکنون دادستانی کل اقدام مؤثری در این زمینه نداشته و نتوانسته است وظایف خود در این زمینه را اعمال کند.

در این خصوص سؤال اصلی که مطرح خواهد شد، اینکه مقام دادستانی با توجه به صلاحیت‌های تصریح‌شده در قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران در احیای حقوق عامه از چه طرقی باید در راستای احیای حقوق و منافع جمهوری اسلامی ایران که به‌واسطه تحریم‌های یکجانبه سلب شده است، اقدام کند. لازمه پاسخ به این پرسش، تبیین احیای حقوق عامه و حدود صلاحیتی دادستان در احیای حقوق عامه است. همچنین لازم است موانع و قواعد طرح دعوا در محاکم بین‌المللی مبتنی بر نظام حقوق بین‌الملل و نظام مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بررسی شود. از این‌رو در پژوهش پیش رو ابتدا به تبیین حقوق عامه و تحدید صلاحیت دادستان در تحقق این امر و سپس به سازوکارهای پیگیری و نظارت در مراجع بین‌المللی پرداخته شده است. در نهایت نیز با توجه به حدود صلاحیت دادستان در احیای حقوق عامه و منافع عمومی به بررسی تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده و تعهدات نقض‌شده این دولت به‌واسطه اعمال تحریم‌های ظالمانه پرداخته شده و روش‌های طرح دعوا علیه دولت آمریکا از جمله طرح دعوا در محاکم بین‌المللی، تعقیب کیفری اشخاص دخیل در تحریم‌ها و در نهایت صلاحیت طرح دعوا در محاکم داخلی پرداخته شده است.

شایان ذکر است که در حوزه حقوق عامه آثار مکتوبی دیده می‌شود که به تبیین ماهیت و حدود صلاحیت‌های دادستان به‌عنوان مقام صالح در اعمال اختیارات و وظایف قوه قضاییه در احیای حقوق عامه پرداخته‌اند. از جمله این آثار می‌توان به مقاله نقش دادستان در صیانت از حقوق و آزادی‌های عمومی در حقوق کیفری ایران، همچنین مقاله الگوی احیای حقوق عامه با تحول در نظام هنجارها و ساختارهای قضایی اشاره کرد. با این حال نوآوری موجود در پژوهش پیش رو از حیث رویکرد منتقدانه به رویه‌های شکل‌گرفته و عدم بهره‌مندی از ظرفیت‌های موجود در نظام حقوقی ایران و طرح و بررسی شیوه‌های حقوقی پیگیری مسئله جرائم راجع به اموال، منافع و مصالح ملی است که به‌واسطه تحریم‌های گسترده و یکجانبه ایالات متحده خسارات گسترده‌ای را به ملت ایران وارد کرده است.

بر این اساس، در این مقاله، ابتدا به بررسی مفهوم «حقوق عامه» و سازوکار حقوقی احیای آن پرداخته شده، سپس جایگاه و امکان استناد به «احیای حقوق عامه» و نقش‌آفرینی دادستانی کل کشور به‌عنوان مرجع ذی‌ربط در خصوص تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۱. مفهوم «حقوق عامه» و سازوکار احیای آن

۱-۱. مفهوم «حقوق عامه»

با این پیش‌فرض که احیای حقوق عامه باید در چارچوب قوانین و مقررات و از طریق صلاحیت‌های مقرر در نظام حقوقی انجام گیرد، لازمه اعمال این صلاحیت ایجاد نظام و ساختار مشخص در قوانین و مقررات است. با این حال یکی از مشکلات اصلی خلأ تقنینی در زمینه احیای حقوق عامه است که ابهامات مفهومی در این زمینه را نیز به همراه داشته است. بنابر یکی از تعاریف قابل قبولی که در این زمینه مطرح شده است: «حقوق عامه مجموعه حقوق و آزادی‌های مشروع منبعت از موازین اسلامی و الزامات قانونی است که دولت طبق اصل سوم نسبت به آن‌ها متعهد است و قوه قضاییه ملزم به احیای آن و برخورد با ناقضان است» (غمامی، ۱۳۹۷: ۷۷).

اما به‌نظر می‌رسد این تعریف به‌صورت کامل پاسخگوی ابهامات موجود نیست؛ از این‌رو در راستای دستیابی به تعریف دقیق و تحدید صلاحیت قوه قضاییه در احیای حقوق عامه، تبیین مفهوم اصطلاحی «حقوق عامه» لازم می‌آید. در این خصوص دو رویکرد کلی مفهومی را می‌توان فرض کرد. در رویکرد اول حقوق عامه محدود می‌شود به حق‌های عمومی و همگانی که ذی‌نفع آن کل جامعه خواهد بود. از جمله مصادیق این حقوق می‌توان به اصل ۴۵ قانون

اساسی در خصوص اموال و ثروت‌های عمومی و اقدام حکومت در استفاده از آن برای تأمین مصالح عامه اشاره کرد. همچنین اصل ۵۰ قانون اساسی در خصوص حفاظت از محیط زیست و اصل ۷۳ قانون اساسی در خصوص بناها و اموال عمومی نیز از این قسم است. مبتنی بر این رویکرد، تحریم‌های یکجانبه نهادها و ارگان‌های جمهوری اسلامی از جمله بانک‌ها که خسارات عمده‌ای به منافع عمومی و ملت ایران وارد کرده است، به‌عنوان مصادیقی تلقی خواهد شد که حقوق عامه را تضییع کرده‌اند.

با بررسی برخی از اصول قانون اساسی که به عباراتی چون «عامه» و «حقوق» پرداخته‌اند، «حقوق عامه» به معنای حقوق و منافع عمومی و همگانی به‌کار رفته است. این استنباط از آن حیث تقویت می‌شود که در لسان فقها و اندیشمندان اسلامی، «حقوق عمومی» همان حقوق عامه است. این نکته از آن جهت اهمیت پیدا خواهد کرد که فقها نقش مؤثری در نگارش قانون اساسی ایفا کرده‌اند (تنگستانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۵).

در رویکرد دوم علاوه بر حقوق عمومی و همگانی در مواردی حقوق اشخاص نیز به‌عنوان حقوق عامه تلقی خواهد شد. از این منظر، حقوق عامه زمانی مصداق خواهد داشت که تعدد ذی‌نفعان بر گستره اعمال یا نقض حق بیفزاید یا اینکه اساساً حقوق نقض شده از جمله حقوق بنیادین اشخاص باشد. برای مثال نقض زنجیره‌های تأمین انسولین که زندگی بیماران دیابتی را در سراسر ایران به خطر انداخته است، از جمله حقوقی است که هرچند ذی‌نفع مستقیم آن اشخاص هستند نه جامعه؛ اما تعدد بالای ذی‌نفعان موجب می‌شود که مبتنی بر رویکرد دوم مصداقی از حقوق عامه تلقی شود. بدین ترتیب می‌توان حقوق عامه را علاوه بر حقوق و منافع عمومی و جمعی شامل حقوق و منافع فردی نیز دانست که البته آزادی‌های مشروع نیز بخشی از این حقوق به‌حساب می‌آیند (دشتی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۶).

در راستای تحدید صلاحیت قوه قضاییه در احیای حقوق عامه باید به این نکته توجه کرد که ارائه هرگونه تفسیری از مفاهیم «حقوق عامه» و «احیا»، به ابزارهای قانونی در اختیار قوه قضاییه بستگی دارد. از این‌رو صلاحیت قوه قضاییه در احیای حقوق عامه نباید داخل در صلاحیت سایر قوا و نهادهای حکومتی باشد. از این‌رو قوه قضاییه با استناد به اصل ۱۵۶ نمی‌تواند وارد حوزه تقنینی و یا اجرایی شود، حتی اگر احیای حقوق عامه مستلزم وضع قوانین و مقررات یا ایجاد ساختارهای اجرایی شود (تنگستانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۶). در نتیجه باید به این نکته توجه شود که نمی‌توان از حقوق عامه چنان تفسیری موسع ارائه کرد که حقوقی را در برگیرد که در صورت عدم تحقق آن‌ها قوه قضاییه توان احیای آن حقوق را دارا نباشد.

به‌منظور رفع ابهامات موجود در خصوص صلاحیت احیای حقوق عامه، رئیس وقت قوه

قضایه با اتخاذ رویکردی میانه در بند «الف» ماده ۱ «دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه» (مصوب ۱۳۹۷) به تعریف اصطلاح حقوق عامه پرداخته است. بر این اساس، «حقوق عامه، حقوقی است که در قانون اساسی، قوانین موضوعه و یا سایر مقررات لازم‌الاجرا، ثابت است و عدم اجرا یا نقض آن، نوع افراد یک جامعه مفروض مانند افراد یک شهر، منطقه، محله و صنف را در معرض آسیب یا خطر قرار می‌دهد یا موجب فوت منفعت یا تضرر یا سلب امتیاز آنان می‌شود، از قبیل آزادی‌های مشروع، حقوق زیست‌محیطی، بهداشت و سلامت عمومی، فرهنگ عمومی و میراث فرهنگی، انفال، اموال عمومی و استانداردهای اجباری». مبتنی بر این تعریف تحریم‌های یکجانبه، بدون تردید موجبات فوت منافع و ایراد خسارات گسترده‌ای را بر اموال عمومی، بهداشت و سلامت عمومی وارد کرده است، از این‌رو تحریم‌های یکجانبه را باید مصداقی از نقض حقوق عامه دانست.

در خصوص واژه «احیا» نیز شایان ذکر است که این اصطلاح وضعیتی را به ذهن متبادر می‌کند که تحقق و ایفای حقوق مصرح در قانون اساسی، قوانین موضوعه و سایر مقررات لازم‌الاجرا در زمان مناسب و به صورت کامل صورت نگرفته است (تنگستانی و همکاران، ۱۳۷۰: ۷۸). از این‌رو این صلاحیت را می‌توان پسینی دانست، از این‌رو عمده صلاحیت قوه قضاییه از حیث احیا، نظارت و پیگیری خواهد بود؛ در نتیجه محدود کردن عملکرد قوه قضاییه به نظارت و پیگیری، استنباط می‌شود که تنها در مواردی که صلاحیت قوه قضاییه ابتدایی باشد، ابتکار عمل برای این قوه قابل تصور خواهد بود.

۲-۱. سازوکار احیای حقوق عامه

قانون اساسی در ذیل اصل ۱۵۶ موارد پنج‌گانه‌ای^۳ را به‌عنوان وظایف اصلی قوه قضاییه برشمرده است. در خصوص هریک از این وظایف نظام دادرسی و قوانین مربوطه تدوین یافته و اصلاحات متعددی نیز به‌منظور هرچه بهتر شدن عملکرد قوه قضاییه در راستای تضمین عدالت اجتماعی صورت گرفته است. با این حال، «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» به‌عنوان یکی از کارویژه‌های مذکور در این اصل، همواره با ابهام روبه‌رو بوده و همچنان رویه ثابتی در اجرای آن شکل نگرفته است. البته آیین دادرسی کیفری به برخی ابعاد احیای حقوق عامه پرداخته است، اما ابهامات موجود در خصوص مفهوم احیای حقوق عامه و سازوکار اعمال آن مرتفع نشده است. از این‌رو اصلی‌ترین مسئله قوه قضاییه در شرایط کنونی در خصوص احیای حقوق عامه عمدتاً به خلأ نظام حقوقی در بیان وظایف و مسئولیت‌های دادستان مربوط می‌شود (دشتی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۲).

این نکته نیز حائز اهمیت است که اصل ۱۵۶ در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدون پرداختن به ابعاد مختلف بند ۲ با ۵۰ رأی موافق و سه رأی ممتنع و بدون هیچ مخالفتی به تصویب رسیده است (مشروح مذاکرات: ۱۵۸۴). از این رو به نظر می‌رسد عدم اهتمام لازم قانونگذار در تبیین این مفهوم در متروک ماندن آن بی‌تأثیر نبوده است. در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، دادستانی کل کشور عهده‌دار وظایفی از جمله حفظ حقوق عامه، نظارت بر اجرای قوانین، تفتیش و تعقیب جرائم، نظارت بر جریان امور و اعلام جرم در صورت مشاهده تجاوزات از حدود و اختیارات در سطوح مختلف اجتماعی شده است (معظمی و کاظم‌زاده، ۱۳۹۹: ۳۲). به‌طور خاص در موضوع مورد بحث حاضر، مواد ۲۲، ۲۹۰ و ۲۹۳ آیین دادرسی کیفری به «حفظ حقوق عمومی»، «حقوق عمومی» و «حقوق عامه» اشاره کرده است. با این حال، مسئله اصلی عدم پرداختن به چیستی و ماهیت این مفهوم در قوانین موضوعه است، از این رو این موضوع در دستورالعمل اجرایی دادستان کل کشور (مصوب ۱۳۹۵) و پس از آن در دستورالعمل رئیس قوه قضاییه (مصوب ۱۳۹۷) مطمح نظر قرار گرفته است.

شایان ذکر است که صریح‌ترین مقرر قانونی در بیان صلاحیت دادستانی کل کشور در احیای حقوق عامه، ماده ۲۹۰ آیین دادرسی کیفری است که به موجب آن «دادستان کل کشور مکلف است در جرائم راجع به اموال، منافع و مصالح ملی و خسارات وارده به حقوق عمومی که نیاز به طرح دعوی دارد، از طریق مراجع ذیصلاح داخلی، خارجی و یا بین‌المللی پیگیری و نظارت نماید». به دلیل ابهامات موجود در اصطلاحات به‌کاررفته در این ماده، دادستانی کل وقت با صدور «دستورالعمل نحوه نظارت و پیگیری حقوق عامه» (مصوب ۱۳۹۵/۰۱/۱۷) گامی در راستای اجرایی کردن تکالیف مقرر در قوانین و مقررات حوزه صیانت از حقوق عامه برداشته است.

ماده ۱۴ این دستورالعمل، در مقام تعیین مصادیقی که می‌تواند به نقض حقوق عامه در سطح بین‌المللی منجر شود، سه دسته از جرائم را ذکر کرده است که عبارت‌اند از:

«الف) جرائم ارتكابی علیه امنیت، استقلال، تمامیت ارضی، اموال و منافع یا مقامات دولت جمهوری اسلامی ایران.

ب) جرائم ارتكابی علیه اتباع ایران به شکل گسترده یا سازمان‌یافته در خارج از کشور.
 ج) هرگونه اقدام منجر به ایراد خسارت مادی یا معنوی نسبت به حقوق عمومی یا منافع ملی در خارج از کشور اعم از اینکه منتهی به طرح دعوی شده یا نشده باشد.»

بنابر بند «ب» این مقرر، در مواردی که حقوق اتباع ایران در کشوری دیگر به صورت گسترده یا سازمان‌یافته مورد تجاوز و تعدی قرار گیرد، دادستانی کل در راستای احقاق و صیانت از حقوق عامه اقدام به پیگیری دعوا یا نظارت بر عملکرد مراجع ذیصلاح داخلی، خارجی یا بین‌المللی می‌کند. این نکته حائز اهمیت است که ایفای چنین نقشی لزوماً وابسته به طرح دعوا از سوی شاکی خصوصی نبوده و اغلب مجنی‌علیه در این موارد از نقشی تبعی برخوردار است (طحان نظیف، ۱۳۹۷: ۹۵).

با توجه به «دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه» (مصوب ۱۳۹۷ رئیس قوه قضاییه) می‌توان دریافت که ایفای مأموریت احیای حقوق عامه از سوی دادستانی کل کشور در دو حالت قابل بررسی است:

۱. اقدام تعقیبی در محاکم داخلی صورت می‌پذیرد که دادستانی کل در این فرض نقشی مستقیم و مؤثر ایفا می‌کند؛^۴
۲. اقدام و پیگیری حقوقی می‌بایست در مراجع قضایی خارجی یا بین‌المللی صورت گیرد که دادستانی کل نقشی با واسطه ایفا می‌کند.^۵

۲. ارزیابی تحریم‌های یکجانبه آمریکا از منظر حقوق عامه

پیروزی انقلاب اسلامی و شکست اهداف ایالات متحده در منطقه آسیای غربی و به دنبال آن قدرت یافتن جمهوری اسلامی، موجب شد ایالات متحده از همان سال‌های ابتدایی انقلاب راهبرد تهدید زورمدارانه را علیه ملت ایران در دستور کار خود قرار دهد و در راستای این راهبرد انواع فشارها از جمله فشارهای اقتصادی را بر جمهوری اسلامی تحمیل کند. از این رو دولت آمریکا به واسطه اقدامات یکجانبه‌ای همچون وضع تحریم‌های یکجانبه و نقض مصونیت قضایی دولت به دفعات ملت ایران را مورد تهدید و تحریم قرار داده است. این در حالی است که به موجب منشور ملل متحد، تحریم تنها به‌عنوان سازوکاری نهادین برای وادار کردن دولت متخلف به رعایت تعهدات خود است و شرایط آن در فصل هفتم منشور بیان شده است و از این رو تحریم اقتصادی یکجانبه یا حتی به صورت دسته‌جمعی توسط دولت‌های عضو ملل متحد ناقض منشور تلقی می‌شود (ممتاز، ۱۳۷۶: ۲۱). علاوه بر این کمیسیون حقوق بین‌الملل، فشار شدید اقتصادی یا سیاسی را که برای به مخاطره افکندن تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت‌ها صورت گیرد، از جمله اقدامات متقابل غیرقانونی محسوب کرده است.^۶ این مهم در قطعنامه‌های متعددی از جمله قطعنامه‌های ۱۹۹۱، A/RES/46/210 و A/RES/38/152،^۷ و ۱۹۸۳^۸ مورد تأکید مجمع عمومی قرار گرفته است.^۹

بی‌تردید تحریم‌های گسترده اقتصادی بسیاری از حقوق و آزادی‌های بشری را به مخاطره می‌افکنند. چنانکه کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^{۱۰} در نظریه عمومی شماره ۸ (۱۹۹۷) با عنوان «ارتباط میان تحریم‌های اقتصادی و رعایت حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، تحریم‌های اقتصادی را در قریب به اتفاق موارد، چالشی قابل توجه بر حقوق شناخته‌شده در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دانسته است که اغلب به‌طور جدی توزیع مایحتاج خوراکی، پزشکی و دارویی و اصول بهداشتی را با مشکل مواجه می‌سازند.^{۱۱} به همین ترتیب، کنترل واردات یک کشور بیشترین صدمه را به اقتصاد یک ملت وارد ساخته و رشد اقتصادی را به شدت کند می‌سازد.^{۱۲} اگرچه کالاهای بشردوستانه مانند محموله‌های خوراکی، یا دارویی از تحریم استثنا خواهند بود، اما در جایی که دارایی‌های خارجی برای واردات این اقلام در دسترس نباشد، مثلاً حساب‌های بانکی خارجی مسدود شده باشد، این استثنا عملاً بی‌نتیجه خواهد بود.^{۱۳} ارتباط سلامتی مردم یک کشور با وضعیت اقتصادی آن کشور درهم‌تنیده و بهم‌وابسته است. تحت فشار قرار دادن اقتصاد یک کشور با وضع تحریم، نه تنها توسعه و پیشرفت اقتصادی آن کشور را مختل می‌سازد، بلکه سلامت آحاد ملت و شهروندان آن کشور را نیز به مخاطره می‌افکند^{۱۴} و طبعاً، تحریم‌هایی که افراد را از حق بر حیات و شرایط زیستی محروم کنند، نمی‌توانند مشروع تلقی شوند^{۱۵} (خلف رضایی، ۱۳۹۴: ۱۲۰).

در گزارش مؤسسه «مت»^{۱۶} در مورد وضعیت ایران آمده است تحریم‌های گسترده اقتصادی ایالات متحده که به محدودیت‌های شدید بانکی منجر شده، توانایی جمهوری اسلامی ایران را در تأمین مالی و واردات کالاهای بشردوستانه از جمله داروها و تجهیزات پزشکی به شدت محدود کرده است. از این‌رو تلاش‌های ایران برای مبارزه با بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ به شدت تحت تأثیر تحریم‌های ایالات متحده قرار گرفته است و بیماران ایرانی بیشترین هزینه را در این خصوص متحمل شده‌اند.^{۱۷}

در گزارشی دیگری از «گزارشگر ویژه در مورد تأثیر منفی اقدامات اجباری یکجانبه در استفاده از حقوق بشر»^{۱۸} آمده است: دولت ایران با موانع خرید تجهیزات پزشکی و دارویی از جمله بی‌هوشی، تنفسی، آندوسکوپی و سایر تجهیزات وابسته به داروسازی، و نتیل‌تورها، سی‌تی.اسکنرها، آزمایش‌ها، کیت‌های محافظ و بسیاری موارد دیگر مواجه بوده است که این موانع ناشی از لغو معاملات بین تولیدکنندگان و دولت ایران و همچنین شرکت‌های هدف و در نهایت به دلیل ترس از تحریم‌های ثانویه بوده است. در این گزارش به‌صراحت بیان شده است که پس از آنکه ایالات متحده ۱۸ بانک ایرانی را در ۸ اکتبر به فهرست تحریم اضافه کرد، ایران از خرید دارو، تجهیزات پزشکی و غلات از شرکت‌های اروپایی منع شد. علاوه بر این،

تحریم‌های یکجانبه آمریکا موجب شده است که نقض زنجیره‌های تأمین انسولین زندگی بیماران دیابتی را در سراسر ایران به خطر بیندازد.^{۱۹} بنابر آنچه گذشت، بی‌تردید تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده ناقض حقوق اساسی ملت و به تعبیر دیگر، «حقوق عامه» هستند و از این رو، در ادامه به بررسی امکان و سازوکارهای مقابله و پیگیری حقوقی این اقدامات متخلفانه می‌پردازیم.

۳. امکان و نحوه پیگیری تحریم‌های یکجانبه آمریکا توسط دادستانی کل کشور

از جمله مهم‌ترین وظایف مقام دادستانی در حقوق داخلی بسیاری از کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران، «تعقیب کیفری» است که در ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری به آن تصریح شده است (خالقی، ۱۳۹۷: ۳۹). در نظریه مشورتی شماره ۱۲۰۷/۱۴/۹۴/۷ مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۱۴ اداره حقوقی قوه قضاییه نیز که به تفصیل در بخش قبلی به آن پرداخته شد، مطرح شده است که مقصود از پیگیری، تعقیب کیفری جرائم، مانند اعلام جرم به مراجع ذی‌ربط و تعقیب حقوقی مانند تقدیم دادخواست در موارد ورود خسارت است. بدین ترتیب به موجب قانون آیین دادرسی کیفری مرجع صالح تعقیب کیفری موضوع ماده ۲۹۰ نیز دادستان است. اما سؤالی که در این خصوص مطرح است اینکه با فرض نقض حقوق عامه به واسطه تحریم‌های یکجانبه، دادستان چه سازوکارهایی برای پیگیری و نظارت - به عبارت دقیق‌تر «تعقیب کیفری» - در مراجع بین‌المللی را باید رعایت کند. به عبارت دیگر چه سازوکارهایی برای پیگیری این امر برای دادستان وجود دارد تا بدین طریق احقاق حقوق عامه تحقق یابد. به موجب ماده ۲۹۰ آیین دادرسی کیفری که به تفصیل در بخش اول به آن پرداخته شد، دادستان به پیگیری و نظارت از طریق مراجع ذی‌صلاح داخلی، خارجی یا بین‌المللی در جرائم راجع به اموال، منافع و مصالح ملی و خسارات وارده به حقوق عمومی که نیاز به طرح دعوا دارد، مکلف شده است. از این رو در مسئله تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران با توجه به نقض جدی حقوق عامه و همچنین خسارات گسترده و جبران‌ناپذیری که بر منافع و مصالح ملی و حقوق عمومی وارد شده است، دادستان موظف است اقدام به تعقیب کیفری نسبت به دولت‌ها و اشخاص دخیل در این تحریم‌های ظالمانه کند. از این رو در ادامه به طرق حقوقی پیگیری و نظارت در محاکم داخلی و بین‌المللی با لحاظ تمامی محدودیت‌ها و موانع پرداخته شده است.

۳-۱. پیگیری در مراجع قضایی داخلی

در خصوص اقدام قضایی علیه اقدامات تحریمی دولت آمریکا در محاکم داخلی، با توجه به اصل مصونیت قضایی دولت‌ها نزد محاکم خارجی که اصلی مسلم در حقوق بین‌الملل به حساب می‌آید، رسیدگی قضایی علیه دولت خارجی را با مانعی جدی مواجه می‌سازد. با این حال نظام مسئولیت بین‌المللی، حق دولت زیان‌دیده برای توسل به اقدامات متقابل را به رسمیت شناخته است. شایسته ذکر است که اقدام متقابل صرفاً به منظور وادار کردن دولت متخلف به توقف یا جبران خسارت دولت زیان‌دیده به کار گرفته می‌شود (مشهدی و رشیدی، ۱۳۹۹: ۷۱).

با توجه به اینکه دولت آمریکا با بدعتی آشکار اصل مزبور را در قبال ایران نادیده گرفته و دعوی واهی اشخاص آمریکایی علیه دولت ایران را مسموع دانسته است؛ دولت ایران نیز در مقام اقدام متقابل، مبادرت به تصویب «قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» مصوب ۱۳۹۰ کرده است و به موجب آن، طرح دعوی مدنی علیه دولت آمریکا در زمینه «خسارات ناشی از هرگونه اقدام و فعالیت دولت‌های خارجی در داخل یا خارج ایران که مغایر با حقوق بین‌الملل است و منجر به فوت یا صدمات بدنی یا روانی یا ضرر و زیان مالی اشخاص می‌گردد» (وفق بند «الف» ماده ۱) را پذیرفته و رسیدگی به این دعوی را در صلاحیت دادگستری تهران قرار داده است.

به موجب ماده ۷ این قانون، «دعوی علیه نمایندگان یا مقامات یا نهادهای وابسته یا تحت کنترل دولت خارجی» را نیز با رعایت اصل عمل متقابل و در خصوص خسارات ناشی از اقدامات موضوع این قانون مسموع و قابل رسیدگی دانسته است؛ از این رو بدون تردید طبق قانون مذکور، تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی زیان‌دیده از تحریم‌های غیرقانونی ایالات متحده از امکان طرح دعوی علیه دولت آمریکا و مطالبه خسارات وارده در محاکم جمهوری اسلامی ایران برخوردارند.

با توجه به «قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» مصوب ۱۳۹۰ و ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، دادستان می‌تواند به منظور پیگیری و نظارت بر دعوی در خصوص تحریم‌ها و همچنین اشخاص دخیل در ایراد خسارات گسترده به منافع ملی از طریق تحریم‌های یکجانبه آمریکا در دادگستری تهران، اقدامات مقتضی را اتخاذ کند.

۳-۲. پیگیری در مراجع قضایی بین‌المللی

پیگیری و نظارت بر جرائم منافی حقوق عامه که بیشتر به ابعاد مختلف آن پرداخته شد، برای تحقق، نیازمند طی سازوکارهای قانونی است و صلاحیت‌های دادستان نیز تنها در

چارچوب‌های قانونی و سازوکارهای رسمی قابل تحقق است. علاوه بر این، دادستانی یک نهاد داخلی است و وظایف و صلاحیت‌های آن نسبت به مراجع داخلی به صورت جزئی و دقیق در قوانین و مقررات ذکر شده است؛ اما در خصوص طرح دعوی در مراجع بین‌المللی بدون تردید، سازوکارهای متفاوتی نسبت به حقوق داخلی وجود دارد که تاکنون این سازوکارها در خصوص اعمال صلاحیت‌های دادستان به‌طور کامل به‌کار نرفته است و به‌نوعی می‌توان اعمال این سازوکارها را خلاف رویه و امری غریب در نظام حقوقی ایران تلقی کرد. از این رو در راستای تبیین درست این مطلب باید علاوه بر صلاحیت‌های دادستان، به اصول دادرسی بین‌المللی نیز مراجعه کرد.

نکته حائز اهمیتی که در این مجال باید به آن تأکید شود، مسئله پیگیری جرائم منافی حقوق عامه در مراجع قضایی بین‌المللی با توجه به چارچوب وظایف و اختیارات دادستان است. در حقیقت همان‌طور که گفته شد، در حقوق داخلی صلاحیت‌های دادستان تا حد چشمگیری تبیین شده است؛ اما در بعد بین‌المللی مسئله و پیگیری جرائم منافی حقوق عامه در محاکم بین‌المللی و مجازات اشخاص دخیل در آن، نمایندگی دولت - به معنای اعم - در عرصه بین‌المللی بر عهده قوه مجریه قرار داده شده است و جایگاه قوه قضاییه و به‌طور خاص دادستان در این زمینه با ابهامات فراوانی همراه است.

به این ابهام به‌صورت تفصیلی در بخش سازوکارهای احیای حقوق عامه پاسخ داده شد؛ بدین‌صورت که اقدام و پیگیری حقوقی در مراجع قضایی خارجی یا بین‌المللی باید به‌نحوی صورت پذیرد که دادستانی کل در آن نقشی با واسطه ایفا کند. ماده ۱۸ دستورالعمل ۱۳۹۵ نیز در تأیید این نکته بر طریقت وزارت امور خارجه برای پیگیری و اعمال نظارت دادستان کل تصریح نموده است. علاوه بر این ماده ۹ دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه مصوب ۱۳۹۷ رئیس قوه قضاییه نیز بر این مهم تصریح دارد. بدین‌ترتیب دادستان کل به موجب قوانین و مقررات مطروحه، مسئولیت پیگیری و نظارت بر جرائم منافی حقوق عامه از جمله تحریم‌های ظالمانه علیه جمهوری اسلامی ایران را بر عهده دارد و به‌منظور ایفای این مسئولیت در مراجع بین‌المللی لزوماً باید از سازوکارها و طرق موجود در حقوق داخلی استفاده کند و هماهنگی و مراجعه به مراجع ذی‌ربط از جمله وزارت امور خارجه را در دستور کار خود قرار دهد.

۳-۲-۱. طرح دعوا علیه دولت آمریکا در محاکم بین‌المللی

نبود یک قدرت فائقه که همچون قوه قضاییه در حقوق داخلی بتواند بر اختلافات بین‌المللی رسیدگی قضایی اجباری کند، موجب شده است که قواعد متفاوتی در زمینه حل و فصل اختلافات بین‌المللی به‌وجود آید. در این میان دو اصل کلی حقوقی که در

حل و فصل اختلافات بین‌المللی مطرح است، عبارت‌اند از: «اصل حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی» و «اصل اختیاری بودن حل و فصل اختلافات بین‌المللی».^{۲۰} این اصول در اسناد بین‌المللی بازتاب گسترده‌ای داشته است که از جمله این اسناد می‌توان به منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری اشاره کرد.

در بند ۳ ماده ۲ منشور ملل متحد تصریح شده است: «تمامی دولت‌های عضو باید اختلافاتشان را از طریق شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل کنند به گونه‌ای که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیفتند».^{۲۱} اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در ماده ۳۶ اصل اختیاری بودن حل و فصل اختلاف را تبیین کرده است.^{۲۲} در حقیقت به موجب این دو اصل سازوکار طرح دعاوی بین‌المللی به روش‌های مسالمت‌آمیز و مواردی که رضایت طرف‌های اختلاف مبنی بر حل و فصل اختلافات وجود داشته باشد، محدود شده است.^{۲۳} به این ترتیب در نظام حقوق بین‌الملل دولت‌ها ملزم به حل و فصل اختلافاتشان نیستند، بلکه تنها موظف‌اند اختلافاتشان را در صورت تمایل به برطرف کردن به صورت مسالمت‌آمیز و صلح‌آمیز حل و فصل کنند. برای صلاحیت یک دادگاه بین‌المللی، کشورهای مورد اختلاف باید با صدور اعلامیه صلاحیت آن دادگاه در رسیدگی به اختلاف را اعلام کنند (Aust, 2010, 401). در این زمینه کمیسیون حقوق بین‌الملل ذیل ماده ۴۲ طرح مسئولیت بین‌المللی بیان کرده است: «به منظور استناد دولت از جانب خود به مسئولیت دولت دیگر باید حق خاصی برای چنین استنادی وجود داشته باشد نظیر اینکه دولت به موجب یک معاهده حق اقامه دعوا داشته باشد»^{۲۴} (ابراهیم گل: ۱۳۹۷: ۲۵۶).

در خصوص رضایت طرفین نیازی به شکل و قالب خاصی نیست و در شرایط خاص دیوان آن را از رفتار طرفین می‌تواند استنباط کند. برای مثال در پرونده کانال کورفو^{۲۵}، دادگاه از درخواست یکجانبه دولت شاکی (انگلستان) همراه با نامه‌نگاری‌های بعدی طرف دیگر اختلاف (آلبانی) رضایت طرف‌ها مبنی بر رسیدگی به اختلاف را استنباط کرده است (Shaw, 2003: 974).^{۲۶}

در نتیجه براساس آنچه بیان شد، دادستان برای پیگیری یک منفعت عمومی ضایع شده توسط دیگر کشورها لزوماً تنها در صورتی می‌تواند اقدام به طرح دعوا در محاکم بین‌المللی کند که مبنای صلاحیتی معتبری برای حل و فصل اختلاف مربوط در آن محاکم بین‌المللی در اختیار داشته باشد. از این رو در مسئله تحریم‌های یکجانبه دولت آمریکا، دادستان کل زمانی می‌تواند به دادخواهی اقدام کند که مبنای صلاحیتی لازم یا به عبارت دیگر رضایت ایالات متحده برای طرح این مسئله در دیوان بین‌المللی دادگستری یا هر مرجع بین‌المللی دیگر وجود داشته باشد.

«وجود اختلاف فقط آغاز کار است، زیرا دادگاه احتیاج به بررسی «موضوع واقعی ادعا» دارد و این با در نظر گرفتن نه تنها پرونده ارسالی بلکه به طور کلی درخواست‌ها، استدلال‌های متقاضی در دادگاه و سایر اسناد و مدارک ارسال شده امکان‌پذیر خواهد بود» (Shaw, 2003: 971). در این زمینه می‌توان نقش دادستان در جمع‌آوری اسناد و مدارک لازم برای اثبات ادعای طرح شده را قابل توجه دانست.

پرسش دیگری که در اینجا باید به آن پاسخ داده شود اینکه آیا صلاحیت دادستان در مواردی مثل تحریم‌های ظالمانه آمریکا که عنصر بین‌المللی نیز در پرونده دخیل است، قابل تسری است یا خیر. در این زمینه با توجه به اطلاق ماده ۲۹۰ و رأی مشورتی آن، همچنین با توجه به فقدان تأسیس یا تعیین نهاد دیگری برای ایفای این امر ضروری، لزوماً باید دادستان را بر این امر صالح دانست؛ اما آیا دادستان لزوماً باید رأساً به این مسئله بپردازد یا امکان همکاری و تعامل با سایر قوا و دستگاه‌های اجرایی وجود دارد؟ همان‌طور که اشاره شد، تصریح ذیل ماده ۹ «دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه مصوب ۱۳۹۷ رئیس قوه قضاییه» مؤید امکان همکاری و مشارکت وزارت امور خارجه در امور مربوط به تعقیب و پیگیری است. بنابراین به موجب حقوق ایران نهاد دادستانی، مقام صالح در جمع‌آوری و ارائه مدارک، مستندات و ادله لازم به‌منظور پیگیری اختلافات دولت ایران و دولت ایالات متحده در خصوص تحریم‌های یکجانبه است؛ اما اینکه از طریق کدام نهاد یا دستگاه طرح دعوا صورت گیرد، موضوعیت ندارد و خدشه‌ای به صلاحیت‌ها و اختیارات دادستان وارد نمی‌کند.

همان‌طور که بیان شد لازمه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، نقض تعهدی است که در زمان وقوع فعل متخلفانه لازم‌الاجرا باشد.

در زمینه نقض تعهد بین‌المللی ایالات متحده در مسئله تحریم‌های یکجانبه اقتصادی علیه ایران می‌توان به موارد اسناد و ادله ذیل اشاره کرد که هر کدام به‌نوعی بیانگر ظرفیت طرح اختلاف در محاکم بین‌المللی و بعضاً مبنای صلاحیتی این محاکم است:

- مغایرت تحریم‌ها با پاراگراف ۱۰ بیانیه الجزایر (۱۹۸۱)، در این بیانیه آمده است:

«تمام تحریم‌ها و مجازات‌های اقتصادی و تجاری پس از نوامبر ۱۹۷۹ را لغو

کرده و برقراری مجدد تحریم‌هایی مشابه را مجاز ندانسته است».

- نقض ماده ۱ بیانیه عمومی الجزایر به‌واسطه تحریم‌های که در آن مقرر شده

است: «سیاست دولت آمریکا این است و از این پس نیز این چنین خواهد بود که

به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در امور داخلی ایران، از جمله امور سیاسی یا نظامی مداخله‌ای نکند».

- نقض اعلامیه ۱۹۷۰ مجمع عمومی ملل متحد در خصوص اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر روابط دوستانه^{۲۷}، که تعهد دولت‌ها نسبت به خودداری از هرگونه اقدام قهری که مردم را از اصل حقوق برابر و حق تعیین سرنوشت و آزادی و استقلال آنان بازدارد، منع کرده و حق یک دولت یا جمعی از دولت‌ها را به مداخله مستقیم یا غیرمستقیم، در امور داخلی یا خارجی دولت دیگر نفی کرده و آن را در مغایرت کامل با حقوق بین‌الملل دانسته است.
- نقض عهدنامه مودت دولت آمریکا با دولت ایران (۱۹۵۵) که به موجب بند ۱ ماده ۱۰ آن، ایالت متحده، متعهد به برقراری آزادی تجارت و دریانوردی میان طرفین است و جواز تحصیل و انتقال اموال توسط اتباع طرفین دست‌کم در حدی که به اتباع دول ثالث به عمل می‌آید، در بند ۱ ماده ۵ مورد پذیرش قرار گرفته است. با خروج دولت ایالات متحده از عهدنامه مودت امروزه این عهدنامه برای طرفین لازم‌الاجرا تلقی نمی‌شود.

بنابر موارد مذکور، اقدام دولت آمریکا در تحریم دولت و برخی دولتمردان جمهوری اسلامی ناقض تعهدات این دولت بر اساس حقوق بین‌الملل عام و خاص بوده و دولت ایران به‌عنوان متضرر از این اقدامات از حق رجوع به روش‌های خاص حل و فصل اختلافات از جمله دیوان داوری ایران-آمریکا و دیوان بین‌المللی دادگستری برخوردار است. از طرف دیگر دولت ایران از حق کلی توسل به اقدامات متقابل نیز به موجب طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برخوردار است (خلف رضایی، ۱۳۹۴: ۱۲۱). هم در دیوان داوری و هم در دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در این زمینه اقداماتی صورت گرفته است؛ از جمله این اقدامات می‌توان به طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری در ۱۶ جولای ۲۰۱۸^{۲۸} اشاره کرد. در این دعوا جمهوری اسلامی ایران مدعی نقض عهدنامه مودت به‌واسطه تحریم‌های یکجانبه آمریکا بود. در این پرونده دیوان در ابتدا با پذیرش صلاحیت ظاهری خود اقدام به صدور دستور موقت علیه آمریکا در ۳ اکتبر ۲۰۱۸ می‌کند.^{۲۹} در نهایت در ۱۳ فوریه ۲۰۲۱ پس از رد ایرادات

اولیه دولت ایالات متحده با پانزده رأی موافق در برابر یک رأی مخالف صلاحیت خود را برای رسیدگی به این اختلاف تأیید می‌کند.^{۳۰}

اما نکته حائز اهمیت و موضوع اصلی در پژوهش حاضر نقش مهم و تعیین‌کننده مقام دادستانی در پیگیری و نظارت به موجب قوانین و مقررات ایران است. بدین ترتیب با توجه به آنچه بیان شد، مقام دادستانی از حیث احیای حقوق عامه موظف به پیگیری طرح دعوا علیه ایالات متحده در خصوص تحریم‌های یکجانبه با توجه به ظرفیت‌ها و طرق موجود در این عرصه است.

۱-۲-۳. تعقیب کیفری اشخاص دخیل در تحریم‌ها

در تحریم‌های یکجانبه دولت آمریکا علاوه بر مسئولیت بین‌المللی دولت، افراد دخیل در این تحریم‌ها نیز با توجه به خساراتی که به منافع و اموال و حقوق عامه وارد کرده‌اند و این افراد مستقیم یا غیرمستقیم در آن دخیل بوده‌اند. مقام دادستانی مکلف به تعقیب کیفری آن‌هاست. مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها فاقد جنبه کیفری است و مسئولیت کیفری در عرصه بین‌المللی صرفاً متوجه افراد خواهد بود؛ از این رو محاکم کیفری بین‌المللی مانند دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) صرفاً به مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی مرتکب جرائم بین‌المللی مبادرت خواهد کرد. به موجب ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، جرائم بین‌المللی که دیوان از صلاحیت رسیدگی به آن‌ها برخوردار است عبارت‌اند از: نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جرائم جنگی و جنایت تجاوز.

از این میان، «جنایت علیه بشریت» که به موجب ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به‌اجمال عبارت است از ارتکاب برخی اعمال در چارچوب یک تهاجم گسترده یا سازمان‌یافته بر ضد یک جمعیت غیرنظامی با علم به آن. این جرم بین‌المللی دیگر اعمال غیرانسانی را که منجر به صدمات و لطمات جبران‌ناشدنی و جدی بر جسم، ذهن یا سلامتی افراد شود نیز شامل می‌شود. در نتیجه، محتمل‌ترین عنوانی که می‌توان تحریم‌های ظالمانه آمریکا را بدان متصف دانست، «جنایت علیه بشریت» است.

شایان توجه اینکه دولت ونزوئلا، تحت همین عنوان از تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده، علیه مقامات این کشور در دیوان کیفری بین‌المللی شکایت کرده که این شکایت در تاریخ ۱۳ فوریه ۲۰۲۰ در دفتر دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی به ثبت رسیده است.^{۳۱} به موجب این شکایت دولت ونزوئلا مدعی است که دولت آمریکا از سال ۲۰۱۴ به‌واسطه تحریم‌های یکجانبه علیه مردم ونزوئلا، مرتکب جنایت علیه بشریت شده است. نکته حائز اهمیت در خصوص این شکایت پذیرش رسیدگی به این شکایت توسط دادستان دیوان کیفری بین‌المللی

در ۱۹ فوریه ۲۰۲۰ است که به موجب آن با بررسی این شکایت موافقت کرده است.^{۳۲} با این حال رسیدگی دیوان کیفری بین‌المللی منوط به احراز صلاحیت دیوان است و این امر نیز صرفاً مبتنی بر پذیرش صلاحیت کلی یا موردی دیوان از سوی دولت متقاضی یا ارجاع پرونده از سوی شورای امنیت ملل متحد است؛ در صورتی که در شرایط کنونی، هیچ‌یک از مبانی صلاحیتی مذکور در خصوص جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد. از این رو باید این روش را در وضعیت کنونی اجرانشدنی دانست.

نتیجه‌گیری

تحریم‌ها امروزه به ابزار جایگزینی برای مداخله نظامی یا سیاسی تبدیل شده و در عمل، آثار و تبعات زیانبار آن‌ها قابل مقایسه و بعضاً ناگوارتر از نتایج جنگ‌های کلاسیک است. اقدامات ایالات متحده علیه دولت و ملت ایران، حتی در صورتی که در مقام اقدام متقابل باشد، مبتنی بر قواعد و مقررات بین‌المللی نبوده و به منزله وسیله‌ای نامشروع برای نیل به هدفی که مشروع جلوه داده شده است، ارزیابی می‌شود. تحریم‌های اقتصادی در عمل بسیاری از حقوق و آزادی‌های بشری را مخدوش یا مختل می‌کنند.

از جمله مهم‌ترین وظایف قوه قضاییه که در اصل ۱۵۶ به آن اشاره شده، احیای حقوق عامه است که با توجه به ساختار نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، دادستانی کل کشور به‌عنوان مقام صلاحیت‌دار در احیای حقوق عامه معرفی شده است که قانون آیین دادرسی کیفری در مواد مختلف خود از جمله مواد ۲۲، ۲۹۰ و ۲۹۳ به این صلاحیت تصریح کرده است. در همین زمینه، قانونگذار با عنایت به عوامل و شقوق مختلف ایراد خسارت به منافع عمومی، اعمال کارویژه احیای حقوق عامه از سوی دادستان کل کشور را حسب مورد نیازمند پیگیری و نظارت «از طریق مراجع ذیصلاح داخلی، خارجی و یا بین‌المللی» قلمداد کرده است (ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری). با این حال دادستانی بنا بر اختلاف‌نظرها و تشتت آرای موجود در دکتترین حقوقی ایران از یک‌سو و از سوی دیگر ابهام کنشگران این حوزه در مقام عمل را که ناشی از خلأهای قانونی در این حوزه است در نهایت منجر به آن شده است که دادستانی کل کشور در عمل نتواند از ظرفیت‌های موجود در نهاد «حقوق عامه» بهره‌مند شود و صلاحیت خود را اعمال کند.

نکته حائز اهمیت در مسئله پژوهش حاضر آن است که اقدامات مورد بحث متناسب به دولتی خارجی است. طبق اصل مصونیت قضایی دولت‌ها، محاکم داخلی اصولاً نمی‌توانند به اعمال حاکمیتی دولت خارجی رسیدگی کنند و رسیدگی به اعمال متخلفانه بین‌المللی دولت خارجی در صلاحیت مراجع قضایی بین‌المللی است. بنابراین به دلالت مقرر قانونی مذکور،

ایفای مسئولیت دادستان کل کشور در جهت پیگیری حقوق عامه باید از طریق مراجع ذیصلاح و به‌ویژه وزارت امور خارجه و مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری به‌عمل آید. به‌عبارت دیگر، دادستان کل کشور در راستای ایفای کارویژه احیای حقوق عامه در مواردی در چارچوب وظایف ذاتی و اختیارات قانونی مستقیماً عمل کرده و در برخی موارد، این مهم را از طریق دیگر نهادهای ذیصلاح، «پیگیری و نظارت» می‌کند.

تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده آمریکا علیه دولت و ملت ایران بی‌تردید موجب نقض جدی حقوق عامه و همچنین خسارات گسترده و جبران‌ناپذیری بر منافع و مصالح ملی و حقوق عمومی بوده‌اند و ازاین‌رو، دادستانی کل کشور بنا به کارویژه احیای حقوق عامه موظف به پیگیری است؛ گو آنکه این اقدام به‌خصوص در مورد مسئولیت دولت خارجی در گرو اقدام و همکاری دیگر مراجع ذی‌ربط است. در واقع، از آنجا که طبق حقوق بین‌الملل، محاکم داخلی اصولاً صلاحیت رسیدگی به اعمال متسبب به دولت‌ها را ندارند، طرح دعوا علیه دولت‌های خارجی باید از طریق مراجع قضایی صلاحیت‌دار بین‌المللی به‌عمل آید. با این حال، با توجه به نقض مصونیت قضایی دولت جمهوری اسلامی ایران از سوی ایالات متحده، قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی مصوب ۱۳۹۰، در مقام اقدام متقابل، امکان طرح دعوا علیه دولت آمریکا را پیش‌بینی کرده و در چارچوب این قانون، اشخاص زیان‌دیده از اقدامات متخلفانه دولت آمریکا می‌توانند در دادگستری تهران اقامه دعوا کنند.

با توجه به نقض عهدهایی که به‌واسطه تحریم‌های یکجانبه دولت آمریکا رخ داده است، دیوان داوری دعاوی ایران و آمریکا و دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)، مراجع بین‌المللی صالح برای رسیدگی به مسئولیت دولت آمریکا هستند. چنانکه در حال حاضر، دعوایی در این زمینه در دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه شده است. شایان ذکر است که امکان رجوع و شکایت در دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) به‌دلیل فقدان مبنای صلاحیتی، امکان‌پذیر به‌نظر نمی‌رسد.

یادداشت‌ها

1. COVID-19.

۲. اصول ۳، ۴۵، ۹۰، ۱۰۷، ۲۴ قانون اساسی.
۳. قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:
 - ۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند.
 - ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.
 - ۳- نظارت بر حسن اجرا قوانین.
 - ۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرا حدود و مقررات مدون جزائی اسلام.
 - ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.
۴. ماده ۴ دستورالعمل: «در جرائم راجع به اموال، منافع و مصالح ملی و خسارت وارده به حقوق عمومی، موضوع ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری که نیاز به طرح دعوی دارد، در صورت تعلل مسئول ذی‌ربط در اقامه دعوی، دادستان کل کشور به دستگاه ذی‌ربط جهت انجام وظیفه قانونی تذکر یا اخطار می‌دهد و در صورت عدم اقدام، مراتب را حسب مورد جهت تعقیب کیفری یا اداری مسئول مربوط و مطالبه خسارت به مراجع ذی‌ربط اعلام و اقدام قانونی به عمل می‌آورد. در هر صورت دادستان کل نسبت به تعقیب کیفری مرتکب و جبران خسارت از طریق مراجع ذی‌صلاح پیگیری و نظارت می‌کند.»
۵. ماده ۹ دستورالعمل: «در موضوعات مشمول ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری که نیاز به طرح دعوی در مراجع ذی‌صلاح بین‌المللی یا خارجی دارد و اقدامی از ناحیه دستگاه اجرایی ذی‌ربط به عمل نیامده و همچنین در صورتی که دعوی طرح شده باشد، ولی اقدام مؤثری از جانب دستگاه اجرایی در پیگیری موضوع به عمل نیامده است، دادستان کل کشور از وزارت امور خارجه یا دستگاه ذی‌ربط گزارش علت عدم اقدام یا گزارش اقدامات انجام‌شده را از قبیل نحوه طرح دعوی، مرجع رسیدگی‌کننده، ترکیب نمایندگان قانونی در دعوی، مستندات ابرازی، لوایح تقدیمی و زمان رسیدگی و نحوه اجرای حکم را مطالبه می‌نماید و راهکارها و پیشنهادهای خود به دستگاه اجرایی را ارائه می‌کند و تا حصول نتیجه موضوع را پیگیری می‌نماید.»
6. UN GA, Report of International Law Commission on the work of its 48th session, 6 May–26 July 1996, GAOR Supp. No. 10 (A/51/10), p.145.
7. Economic measures as a means of political and economic coercion against developing countries, A/RES/46/210
8. Review and appraisal of the implementation of the International Development Strategy for the Third United Nations Development Decade, A/RES/38/152.
۹. همچنین منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولت‌ها در ماده ۳۲ بیان کرده است: «هیچ دولتی نمی‌تواند از اقدامات اقتصادی و سیاسی یا هر نوع فشار دیگر به منظور اجبار دولت دیگر در راستای فرمان‌برداری از آن در اعمال حق حاکمیت خود استفاده کند.»

"No State may use or encourage the use of economic, political or any other type of measures to coerce another State in order to obtain from it the subordination of



the exercise of its sovereign rights."

10. The Committee on Economic, Social and Cultural Rights, composed of independent experts, has been established by ECOSOC to monitor the implementation of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights.

11. See, UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), General Comment No. 8: The relationship between economic sanctions and respect for economic, social and cultural rights, 12 December 1997, E/C.12/1997/8.

12. Gary Clyde Hufbauer, Jeffrey J. Schott, and Kimberly Ann Elliot, *Economic Sanctions Reconsidered: History and Current Policy* (Washington D.C.: Institute for International Economics, 1985), pp. 87-89.

13. See Karine Morin, and Steven H. Miles, "The Health Effects of Economic Sanctions and Embargoes: The Role of Health Professionals", *American College of Physicians-American Society of Internal Medicine, Annals of Internal Medicine*, Volume 132, Number 2, 18 January 2000, p. 159.

14. See, *World Development Report 1993*, "Investing in Health", New York: Oxford University Press: 1993.

15. See Lopez GA, Cortright D., "Economic sanctions and human rights: part of the problem or part of the solution?" *International Journal of Human Rights*, 1997, no. 1, pp. 1-25.

۱۶. «Maat for Peace, Development and Human Rights» یکی از سازمان‌های غیردولتی با وضعیت مشاوره برای شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد است.

17. The impact of unilateral sanctions on human rights in the Islamic Republic of Iran in light of the COVID-19 crisis, Submitted by: Maat for Peace, Development and Human Rights (an organization in special consultative status with the United Nations Economic and Social Council).

18. Ms. Alena Douhan

19. Special Rapporteur on The Negative Impact of Unilateral Coercive Measures on The Enjoyment of Human Rights, Statement by Ms. Alena Douhan, 30 November 2020, Vienna.

۲۰. اصل بنیادینی حاکم بر نظام دادگستری بین‌المللی این است که قضاوت در نظام بین‌المللی بر اراده کشورها استوار است. از این رو رضایت و توافق آن‌ها شرط قبلی توسل به آیین دادگستری بین‌المللی جهت حل اختلافات است که همواره مورد تأیید دیوان دائمی دادگستری و دیوان بین‌المللی دادگستری قرار گرفته است. از جمله قضیه شرکت نفت انگلیس و ایران: «دیوان نمی‌تواند قضاوت خود نسبت به کشوری که به این امر رضایت ندارد اعمال کند» (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۶: ۴۶۸-۴۶۹).

21. All Members shall settle their international disputes by peaceful means in such a manner that international peace and security, and justice, are not endangered.

۲۲. در خصوص چارچوب صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری، در بند ۲ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بیان شده است: «دولت‌های امضاکننده این اساسنامه می‌توانند در هر موقع اعلام دارند که صلاحیت اجباری دیوان را نسبت به تمامی اختلافاتی که جنبه حقوقی داشته باشد و مربوط به موضوعات ذیل گردد در مقابل هر دولت دیگر که

همان تعهد را پذیرفته باشد می‌پذیرد:

الف) تفسیر هر عهدنامه؛

ب) هر مسئله مرتبط با حقوق بین‌الملل؛

ج) واقعیت هر امری که در صورت ثبوت، نقض تعهدی بین‌المللی محسوب گردد؛

د) نوع و میزان غرامتی که باید برای نقض تعهد بین‌المللی پرداخت شود.»

۲۳. در خصوص روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی، ماده ۳۳ منشور ملل متحد عمده موارد پذیرفته‌شده در نظام حقوق بین‌المللی اعم از روش‌های حقوقی و سیاسی را بیان کرده است.

24. Draft articles on responsibility of states for internationally wrongful acts with commentaries, article 42, and commentary 2.

25. Corfu Channel Case (United Kingdom v. Albania), I.C.J. Reports 1949.

۲۶. به هر ترتیب رضایت به ارجاع اختلاف به مراجع بین‌المللی با توجه به رویه‌ای که تاکنون شکل گرفته است، معمولاً با موافقت‌نامه خاص (compromise) و یا شرط حل و فصل اختلافات بین‌المللی در موافقت‌نامه‌ها و معاهدات بین‌المللی مبنی بر ارجاع اختلاف به مراجع بین‌المللی دولت‌ها رضایت خود را اعلام می‌دارند و بدین ترتیب، هریک از طرف‌ها می‌توانند از دیوان تقاضای رسیدگی کنند، برای مثال در اساسنامه سازمان بین‌المللی کار و یونسکو این شرط پیش‌بینی شده است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۶: ۴۷۴-۴۷۵). علاوه بر این دولت‌ها سعی می‌کنند با تصریح چارچوب‌های صلاحیتی محاکم بین‌المللی صلاحیت این محاکم در رسیدگی به اختلافات را تبیین کنند. بدین ترتیب دادگاه می‌تواند صلاحیت خود را در تفسیر توافقنامه‌ها و سایر اسناد مربوط به پرونده استنباط کند (Shaw, 2003: 955).

۲۷. این اعلامیه در بردارنده اصول مسلم حقوق بین‌الملل عرفی است.

28. Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Islamic Republic of Iran v. United States of America)

29. Press release 2021/5, 3 February 2021, Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Islamic Republic of Iran v. United States of America), p 3.

30. Judgment of 3 February 2021, Preliminary objections, Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Islamic Republic of Iran v. United States of America), p33.

31. ICC-01/20-4, 04 March 2020 Prosecution's Provision of the Supporting Document of the Referral Submitted by the Government of Venezuela.

32. ICC-01/20, 19 February 2020, Decision assigning the Situation in the Bolivarian Republic of Venezuela II and reassigning the Situation in the Bolivarian Republic of Venezuela I to Pre-Trial Chamber III.

منابع و مأخذ

الف) فارسی و عربی

۱. ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۹۷)، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها متن و حاشیه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، تهران: شهر دانش، چ دهم.
۲. تنگستانی، محمدقاسم؛ مرادی برلیان، مهدی؛ مهرآرام، پرهام (۱۳۹۷)، گفتارهایی در باب نهاد دادستانی و احیای حقوق عامه، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چ اول.
۳. خالقی، علی (۱۳۹۷)، آیین دادرسی کیفری، تهران: شهر دانش، چاپ سی هفتم.
۴. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۶)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: گنج دانش، چ پنجاه و هفتم.
۵. غمامی، سید محمد مهدی (۱۳۹۰)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ اول.
۶. مشروح مذاکرات (۱۳۶۴)، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چ اول، ج ۳.
۷. ممتاز، جمشید (۱۳۷۶)، ایران و حقوق بین‌الملل، تهران: دادگستر، چ اول.
۸. خلف رضائی، حسین (۱۳۹۴)، «ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل برای دفاع اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در مقابل تحریم‌های ایالات متحده آمریکا»، آفاق امنیت، ش ۲۹.
۹. دشتی، علی؛ بهرامیان، مهدی؛ پروین، خیرالله؛ علوی، پرویز (۱۳۹۷)، «واکاوی تضمینات حقوق عامه با نگاهی به حقوق شهروندی و جایگاه مقام تعقیب»، مجله اخلاق زیستی، ش ۱، دوره ۸.
۱۰. طحان نظیف، هادی؛ طهماسبی، محمدحسن (۱۳۹۷)، «نقش دادستان در صیانت از حقوق و آزادی‌های عمومی در حقوق کیفری ایران»، مجله حقوقی قضاوت، ش ۹۳.
۱۱. غمامی، سید محمد مهدی (۱۳۹۷)، «الگوی احیای حقوق عامه با تحول در نظام هنجارها و ساختارهای قضایی»، مجله حقوق اسلامی، ش ۵۸.

۱۲. مشهدی، علی؛ رشیدی، مهناز (۱۳۹۹)، «مهم‌ترین راهکارهای حقوقی جمهوری اسلامی ایران در واکنش به ترور سردار سلیمانی»، فصلنامه پژوهشی تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال هفتم، ش ۲.

۱۳. معظمی، زهرا؛ کاظم‌زاده، علی (۱۳۹۹)، «احیای کارخانجات ورشکسته از منظر حقوق عامه در گستره حقوق عمومی»، پژوهش و مطالعات اسلامی، ش ۱۵.

ب) قوانین و مقاله‌نامه‌ها و اسناد بین‌المللی

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲.
۳. قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی ۱۳۹۰.
۴. دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه مصوب ۱۳۹۷ رئیس قوه قضاییه.
۵. دستورالعمل نحوه نظارت و پیگیری حقوق عامه مصوب ۱۳۹۵ دادستان کل کشور

ب) انگلیسی

1. A) Books

1. Anthony, Aust. (2010), Handbook of International Law. Second Edition. New York: Cambridge University Press.
2. Shaw, Malcolm N. (2003), International Law. New York: Cambridge University Press. Fifth edition.
3. World Development Report (1993), "Investing in Health", New York: Oxford University Press.
4. Gary Clyde Hufbauer, Jeffrey J. Schott and Kimberly Ann Elliot (2009). Economic Sanctions Reconsidered: History and Current Policy (Washington D.C.: Institute for International Economics, 1985).

B) Articles

1. Talaie, Farhad (2001), Rules and Principles Governing Arbitration Between States, Journal of Social Sciences and Humanities of Shiraz University, Fall 2001, Volume 17, Number 1 (33); Page(s) 2 To 22.
2. Karine Morin, and Steven H. Miles (2000), The Health Effects of Economic Sanctions and Embargoes: The Role of Health Professionals, American College of Physicians–American Society of Internal Medicine, Annals of Internal Medicine, Volume 132, Number 2, 18 January 2000, p. 159.
3. Lopez GA, Cortright D (1997), Economic Sanctions and Human Rights: Part of the Problem or Part of the Solution? International Journal of Human Rights, 1997, no. 1, pp. 1-25.

C) International Rues, Conventions and Documents

1. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts with Commentaries.

2. Rome Statute of the International Criminal Court.
3. Charter of the United Nations.
4. Declaration of The Government of The Democratic and Popular Republic OF ALGERIA (General Declaration), 19th January 1981
5. Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States in Accordance With the Charter of The United Nations, General Assembly Resolution 2625, 24 October 1970.
6. Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights of 1955. Judgment of 3 February 2021, Preliminary objections, Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Islamic Republic of Iran v. United States of America).
7. Press release 2021/5, 3 February 2021, Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Islamic Republic of Iran v. United States of America).
8. The impact of unilateral sanctions on human rights in the Islamic Republic of Iran in light of the COVID-19 crisis, Submitted by: Maat for Peace, Development and Human Rights (an organization in special consultative status with the United Nations Economic and Social Council).
9. Special Rapporteur on The Negative Impact of Unilateral Coercive Measures on The Enjoyment of Human Rights, Statement by Ms. Alena Douhan, 30 November 2020, Vienna
10. UN GA, Report of International Law Commission on the work of its 48th session, 6 May–26 July 1996, GAOR Supp. No. 10 (A/51/10), p.145.
11. A/RES/46/210. Economic measures as a means of political and economic coercion against developing countries.
12. A/RES/38/152. Review and appraisal of the implementation of the International Development Strategy for the Third United Nations Development Decade.
13. ICC-01/20-4, 04 March 2020, Prosecution's Provision of the Supporting Document of the Referral Submitted by the Government of Venezuela.
14. ICC-01/20, 19 February 2020, Decision assigning the Situation in the Bolivarian Republic of Venezuela II and reassigning the Situation in the Bolivarian Republic of Venezuela I to Pre-Trial Chamber III.
15. Charter of Economic Rights and Duties of States. GA Res. 3281(xxix), UN GAOR, 29th Sess., Supp. No. 31 (1974) 50.
16. UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), General Comment No. 8: The relationship between economic sanctions and respect for economic, social and cultural rights, 12 December 1997, E/C.12/1997/8.

References

A) Books

1. Ebrahim Gol, Alireza (2017), Masooliate Beinolmelali Dolat'ha, Matn va Hashiye Mavad Comission Hoghoogh Beinolmelal, Tehran: Shahradasnesh Publications. (In Persian)
2. Tangestani, Mohammad Qasem; Moradi Berlian, Mahdi; Mehraram, Parham (2017), Goftarhayi dar bab-e Nahade Dadsetani va Ehyaye

Hoghooghe A'ame, Tehran: Judiciary Press and Publications Center. First Edition. (In Persian)

3. Khaleghi, Ali (2017), Aeine Dadrasi Keyfari. Tehran: Shahr Danesh. Thirty-Seventh edition. (In Persian)

4. Ziai Bigdali, Mohammad Reza (2016), Hoghooghe Beinolmelale A'ame. Tehran: Ganj Danesh. Fifty-seventh edition. (In Persian)

5. Mashrooh-e- Mozakerat (1364), Annotated Form of Deliberations of the Parliament of the Final Review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. Tehran: General Department of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Council, First Edition, Volume III. (In Persian)

6. Mumtaz, Jamshid (1376), Iran va Hoghoogh Beinolmelal, Tehran: Daddgostar Publishing House, First Edition. (In Persian)

7. Khalaf Rezaei, Hossein (2014), Zarfiat' haye Hoghoogh Beinolmelal baraye Defa'e Eghtesadi Jomhoori Eslami Iran dar Moghabele Tahrimhaye Eyalate Motahede Amrica, Afaq-e- Amniyat, Issue 29, Winter. (In Persian)

8. Dashti, Ali; Bahramian, Mahdi; Parvin, Khairullah; Alavi, Parviz (2017), Vakavi Tazminate Hoghooghe Aame ba Negahi be Hoghooghe Shahrivandi va Jaygahe Maghame Taghib. Journal of Bioethics, Volume 8, Number 1 (2017), pages 143 to 156. (In Persian)

9. Tahan Nazif, Hadi; Tahmasabi, Mohammad Hassan (2017), Nagshe Dadsetan dar Sianat az Hoghoogh va Azadihaye Omoomi dar Hoghoogh Keyfari Iran. Judiciary Law Journal, No. 93. Spring 2017. Page: 93-120. (In Persian)

10. Ghamami, Seyyed Mohammad Mehdi (2017), Olgooye Ehyaye Hoghooghe A'ame ba Tahavol dar Nezame Hanjarha va Sakhtarhaye Ghazaii Journal of Islamic Law. Number 58. Autumn. (In Persian)

11. Ghamami, Seyyed Mohammad Mehdi (1390), Fundamental Rights of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Islamic Revolution Documents Center, First Edition. (In Persian)

12. Mashhadi, Ali; Rashidi, Mahnaz (2019), Mohemtarin Rahkarhaye Hoghooghi Jomhoori Eslami Iran dar Vakonesh be Terrore Sardar Soleimani, Comparative Research Quarterly of Islamic and Western Laws, Year 7, number 2, summer. (In Persian)

13. Moazzami, Zahra; Kazemzadeh, Ali (2019), Ehyaye Karkhanejate Varshekaste az Manzare Hoghoogh A'ame dar Gostare Hoghoogh Omoomi. Islamic Research and Studies, second year, number 15, Fall. (In Persian)

B) International Laws, Conventions and Documents

1. The Constitution of the Islamic Republic of Iran

2. Criminal Procedure Law 2013

3. Jurisdiction Law of the Islamic Republic of Iran to Deal with Civil Lawsuits against Foreign Governments, 2013

4. Guidelines for the Supervision and Follow-up of Public Rights Approved in 2017 by the Head of the Judiciary

5. Instructions on how to Monitor and Follow up on Public Rights Approved by the Attorney General of the Country in 2015